

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره اول - بهار ۱۳۸۳
صص ۸۰-۶۷

بررسی میزان تطابق آموزشهای فنی و حرفه‌ای با اهداف برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه مدیران هنرستان استان اصفهان*

عزت‌الله نادری^۱ - سید احمد احمدی^۲ - مهناز لنگران دستجردی^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان انطباق آموزشهای فنی و حرفه‌ای استان اصفهان، با اهداف و سیاستهای مدون برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه مدیران هنرستانها می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی است. جامعه آماری مورد مطالعه، تمام مدیران هنرستانهای فنی و حرفه‌ای استان اصفهان در سال تحصیلی ۷۹-۷۸ بودند. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای با ۳۳ سؤال بسته پاسخ است و گویه‌ها به بررسی درونداد و فرایند برنامه‌های فنی و حرفه‌ای می‌پردازد، همچنین عوامل محدودکننده و موانع توسعه این آموزشها برای هداهنگی با برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از نظر مدیران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

*- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری تخصصی است.
۱- استاد دانشگاه تربیت معلم.
۲- دانشیار دانشگاه اصفهان.
۳- کارشناس آموزش و پرورش.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که درون‌داد برنامه‌های فنی و حرفه‌ای از جمله برنامه‌ریزی و تأمین نیروی متخصص و پذیرش دانش آموز، در حد متوسط با هدفهای برنامه سوم توسعه هماهنگ است. همچنین هماهنگی فرایند برنامه‌های فنی و حرفه‌ای از نظر مدیران با هدفهای برنامه سوم توسعه در حد کم و متوسط است. موانع زمینه‌ای توسعه کمی و کیفی آموزشهای فنی و حرفه‌ای از نظر مدیران، شامل مشکلات ناشی از ارتباط مدیران و مسئولان و مشکلات ناشی از ارتباط با سایر سازمانها، در حد زیاد و خیلی زیاد مطرح است.

کلید واژه‌ها: آموزشهای فنی و حرفه‌ای، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، درون‌داد، فرایند و توسعه ناموزون.

مقدمه

در فرایند تحولات اقتصادی، اجتماعی کشور بدون تردید نیروی انسانی مهمترین نقش را به عهده دارد و لازمه تربیت نیروی انسانی کارآمد سرمایه‌گذاری هنگفت در زمینه آموزش و پرورش است. میزان بازده سرمایه انسانی عامل تعیین‌کننده عمده‌ای در تقاضای آموزش به‌شمار می‌آید و ضرورت دارد درباره اینکه چگونه نظام آموزش و پرورش به نحو احسن هم به تغییرات منابع انسانی مورد نیاز جامعه و هم به تغییرات تقاضای آموزشی پاسخ دهد، تحقیق شود (عمادزاده، ۱۳۷۶). توجه به نیروی انسانی کارآمد به‌عنوان سرمایه انسانی و محدودیتهای منابع مالی اقتضا می‌نماید برنامه‌ریزیهای آموزش و پرورش به‌ویژه آموزشهای فنی و حرفه‌ای که پرهزینه‌تر است و سهم عمده‌ای در تربیت نیروی انسانی دارد با آگاهی از سیاستهای توسعه کشور تحقق یابد. این جریان زمینه‌ساز تغییر نظام آموزشی است، چنانکه در ماده یک از اهداف تغییر نظام آموزشی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، شرایط و امکانات کافی برای ارتقای کیفیت آموزشهای دوره متوسطه اعم از نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش و توسعه کمی این آموزشها را به تناسب نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم کرده است (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۷).

توسعه آموزشهای مهارتی و فنی و حرفه‌ای مورد توجه سیاستگذاران و

برنامه‌ریزان آموزشی کشور بوده است، ولی به دلیل عدم هماهنگی با برنامه‌های توسعه کشور منجر به پدیده‌ای شده که می‌توان آن را توسعه ناموزون نامید.

چنانکه در دفتر سوم مستندات برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور به ضعف‌های این آموزشها اشاره شده است:

۱- توسعه ناموزون آموزش فنی و حرفه‌ای متأثر از کمبود برنامه‌ها و راهبردهای بلندمدت برای توسعه این آموزشها.

۲- عدم هماهنگی بخشی از دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار.

۳- عدم تعادل منطقه‌ای و جنسیتی در توزیع امکانات و ارائه آموزشهای فنی و حرفه‌ای.

۴- کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای از نظر تعداد و روزآمدی.

آموزشهای فنی و حرفه‌ای بخش عمده‌ای از آموزش و پرورش یک نظام است که موقعیت جاری و موقعیت آینده آن بستگی به اجزای سازنده و ارتباط صحیح آنها دارد که لزوماً بررسی عمیقی را برای شناخت و سازگاری اجزای تشکیل‌دهنده آن ایجاد می‌نماید (نصرتیه، ۱۳۷۸).

اجزای تشکیل‌دهنده آموزشهای فنی و حرفه‌ای دامنه وسیعی دارد که بخشی مربوط به درونداد این آموزشها از قبیل؛ محتوای رشته‌ها، روشهای آموزش و کارایی مربیان و بخشی مربوط به برونداد آموزشها مانند؛ قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان و میزان دستیابی به اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی ایشان است.

افزون بر لزوم سازگاری اجزای تشکیل‌دهنده این آموزشها، ضرورت دارد به جهت‌گیرهای اساسی آموزشهای فنی و حرفه‌ای در برنامه سوم توسعه توجه شود. در این برنامه در زمینه گسترش کیفی این موارد ذکر گردیده است: (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۷).

- بهسازی فضاهای آموزشی برای هماهنگی با فعالیتهای کارگاهی و عملی.

- بازنگری و اصلاح کتابها و منابع آموزشی نخصصی آموزشهای فنی و حرفه‌ای با توجه به تربیت نیروی کار آفرین.

- تکمیل و تجهیز کارگاهها در جهت تقویت توانایی و مهارت فارغ‌التحصیلان.

- ارتقای توانایی و صلاحیت حرفه‌ای دبیران با روشهای مناسب از جمله دوره‌های

عملی-کاربردی رسمی و نیمه حضوری.

- تقویت روحیه علمی، خلاقیت و نوآوری در هنرجویان به منظور تربیت کارآفرین‌های مولد و خود اشتغال.

ملاحظه می‌گردد در مستندات برنامه سوم توسعه نیز بسیاری از عوامل مربوط به درون‌داد، فرایند و یا برونداد برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای مطرح گردیده است. چنانچه برنامه‌ریزی آموزشهای فنی و حرفه‌ای در راستای سیاستها و راهبردهای برنامه‌های توسعه کشور طراحی گردد مشکلاتی از قبیل انحراف شغلی فارغ‌التحصیلان و یا بیکاری ایشان قابل پیش‌بینی و پیشگیری است. عدلی (۱۳۷۵) بیان می‌کند که ۴۱/۷ درصد فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای در رشته‌های غیرمرتبط با رشته تحصیلی خود اشتغال دارند. با توجه به اینکه آموزشهای فنی و حرفه‌ای مستلزم تخصیص منابع بیشتری نسبت به آموزشهای نظری هستند. چنانچه هماهنگی این آموزشها با سیاستهای توسعه که خود در برگیرنده سیاستهای اشتغال در آینده هستند مورد نظر واقع نشود، اتلاف منابع مالی و انسانی را در پی خود خواهد داشت.

هاشمی (۱۳۷۳) در پژوهش خود به بررسی دیدگاه مسؤولان آموزش فنی و حرفه‌ای، مدیران، هنرآموزان، مشاوران و دانش‌آموزان و اولیای ایشان پرداخت و به این نتیجه رسید که مهمترین عامل علاقه دانش‌آموزان به شاخه کار و دانش، اطمینان از داشتن شغل در آینده و علاقه به کارهای فنی است و عامل عدم علاقه آنها مجبور بودن به انتخاب این شاخه و عدم ارائه مهارتهای مورد علاقه آنان می‌باشد. والدین نیز دلیل گرایش فرزندان خود را نسبت به این شاخه، کسب مهارتهای عملی و نیاز کشور به تخصص‌های حرفه‌ای ذکر کرده‌اند. اکثر دانش‌آموزان، مسؤولان آموزش فنی و حرفه‌ای، مشاوران، مدیران و هنرآموزان امکانات و تجهیزات موجود را کامل نمی‌دانستند (طلوع هاشمی، ۱۳۷۳).

حمزه لویی (۱۳۷۵) در پژوهش خود در مورد مشکلات اجرایی بیان می‌نماید که مدیران پاسخ‌دهنده، بیشتر به مواردی از قبیل ضعیف بودن پایه درسی دانش‌آموزان، نداشتن امکانات لازم آزمایشگاهی و کارگاهی، نگرانی دانش‌آموزان در مورد ادامه تحصیل، تأخیر در دریافت امکانات کارگاهی، دسترسی نداشتن به تجهیزات، نرسیدن به مهارتهای سطح بالا یا مهارت درجه یک در بعضی رشته‌ها و نامناسب بودن محیط تربیتی مراکز مهارت‌آموزی اشاره کرده‌اند.

ابراهیمی (۱۳۷۶) در پژوهش خود نشان داد بین نگرش دانش‌آموزان نسبت به شاخه کار و دانش با توسعه شاخه کار و دانش در مناطق آموزش و پرورش شهر تهران رابطه‌ای وجود ندارد، ولی بین نگرش اوایا نسبت به این شاخه و توسعه آن رابطه معنی‌داری وجود دارد و بین نگرش معلمان و مسئولان نسبت به شاخه کار و دانش با توسعه این شاخه در مناطق شهر تهران رابطه‌ای وجود ندارد. در این پژوهش برخی از موانع ایجاد نگرش نسبت به شاخه کار و دانش را؛ جایگاه و آینده مبهم کار و دانش در کمک به ایجاد اشتغال و منزلت اجتماعی پس از فارغ‌التحصیلی ذکر می‌کند. همچنین گرایش منفی برخی از معلمان و هنرآموزان و عدم اعتماد آنها به این شاخه، عدم انطباق برخی رشته‌ها با نیازهای دستگاهها و مراکز تولیدی و خدماتی و نگرش مثبت گروههای اجتماعی و رسانه‌ها به آموزشهای نظری نیز ذکر گردیده است (ابراهیمی، ۱۳۷۶).

بیرانوند (۱۳۷۷) در پژوهش خود در مورد تخصص مربیان فنی و حرفه‌ای بیان می‌کند که از ۷۳ نفر هنرآموز یا مربی تحت بررسی، مدرک تحصیلی ۳۰ نفر کارشناسی، ۲۵ نفر کاردانی و بقیه دیپلم فنی بوده است. از این گروه ۶۵ نفر اظهار داشته‌اند دوره‌های توجیهی و ضمن خدمت را نگذرانده‌اند. ۶۱ نفر اظهار داشته‌اند کتاب درسی به موقع در اختیار آنان قرار نمی‌گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، دانش‌آموزانی که به این شاخه هدایت می‌شوند اطلاعات کافی در مورد رشته‌های مهارتی ندارند.

بوکس (۱۹۸۸) نیز بیان می‌کند که مدارس در جهت حرفه‌آموزی به فراگیران لازم است با توجه به دیدگاه صاحبان مشاغل و صنایع، به آموزش عملی مهارتها و آماده کردن فراگیران برای ورود به مشاغل تلاش نمایند.

سؤالهای پژوهش

سؤالهای پژوهش با توجه به هدفهای کلی پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- محدودیت‌های درونداد برنامه‌های فنی و حرفه‌ای برای هماهنگی با هدفهای برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از نظر مدیران چه مواردی است؟
- ۲- محدودیت فرایند برنامه‌های فنی و حرفه‌ای برای هماهنگی با هدفهای برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از نظر مدیران چه مواردی است؟
- ۳- عوامل محدودکننده آموزشهای فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران هنرستانها چه مواردی است؟

۴- موانع زمینه‌ای توسعه کمی و کیفی آموزشهای فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران هنرستانها چه مواردی است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش، مدیران کلیه هنرستانهای فنی و حرفه‌ای استان اصفهان در سال تحصیلی ۷۹-۷۸ بودند. ۲۹ هنرستان فنی و حرفه‌ای در پنج ناحیه شهرستان اصفهان و ۵۷ هنرستان در مناطق مختلف استان که آموزشهای فنی و حرفه‌ای داشتند، جمعاً ۸۶ هنرستان (۲۷ هنرستان دخترانه و ۵۹ پسرانه) جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دادند. تعداد هنرجویان دختر ۶۲۲۲ نفر و پسران ۱۳۶۷۵ نفر بوده است. دختران در ۱۰ رشته هنرستانی و پسران در ۲۷ رشته به تحصیل اشتغال داشته و درصد پذیرش هنرجویان هنرستانها نسبت به کل آموزشگاههای متوسطه ۱۲/۶ درصد بوده است. با توجه به اینکه تعداد هنرستانهای استان محدود بود، نمونه برابر کل جامعه و ۸۶ هنرستان را تشکیل داده است و نظرخواهی از مدیران این هنرستانها انجام شد.

بخشی از اطلاعات مورد نیاز بر اساس پرسشنامه محقق ساخته بوده است که با استفاده از راهبردها و سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه تنظیم شده است. در این رابطه ابتدا پرسشنامه‌ای حاوی ۲۵ سؤال بسته پاسخ و ۴ سؤال باز پاسخ تنظیم گردید و در همایش یکروزه مدیران توزیع گردید. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها، سؤالات کلی و مبهم اصلاح گردید و پرسشنامه اصلاح شده با ۳۳ سؤال بسته پاسخ و با استفاده از طیف پنج درجه‌ای لیکرت به هنرستانها ارسال گردید. در طرح پرسشنامه این پژوهش برای کاهش ابهام پرسشنامه علاوه بر کارشناسان و مسؤولان فنی و حرفه‌ای استان اصفهان از نظرهای استادان راهنما و مشاور به عنوان متخصصان مورد نظر استفاده گردیده است. ضریب پایایی ابزار پژوهش با محاسبه آلفای کرونباخ انجام شد و ضریبی برابر ۸۷ درصد به دست آمد و نشان داد که پرسشنامه از پایایی مناسب برخوردار است. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها و تنظیم جدولهای فراوانی برای بررسی نتایج میانگین وزنی هر سؤال محاسبه شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

سؤال ۱- محدودیتهای درونداد برنامه‌های فنی و حرفه‌ای برای هماهنگی برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از نظر مدیران چه مواردی است؟ جدول ۱ نتایج مربوط به این سؤال را نشان می‌دهد.

جدول ۱- نتایج مربوط به سؤال اول پژوهش

سؤالها	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی خیلی کم	اصلاً میانگین وزنی		
محدودیت برنامه‌ریزی و سازماندهی دبیران	۱۲/۵	۳۷/۵	۴۶/۹	۳/۱	۰	۳/۵۹
محدودیت کلاسهای بازآموزی	۱۲/۵	۲۸/۱	۴۶/۹	۱۲/۵	۰	۳/۴۰
محدودیت تأمین سرپرستان کارگاه	۵۳/۱	۲۱/۹	۱۵/۶	۹/۴	۰	۴/۱۸
محدودیت جذب دبیران و هنرآموزان	۳۱/۳	۲۱/۹	۴۳/۸	۳/۱	۰	۳/۸
محدودیت ملاک‌های پذیرش دانش‌آموز	۳/۱	۱۸/۸	۴۳/۸	۲۵	۹/۴	۲/۸

t=۳۶/۶ df=۸۵ Sig=۰/۰۰۰ Mean::=۳/۶

با توجه به جدول ۱ ملاحظه می‌گردد که مدیران بیشترین محدودیت را تأمین نیروهای مجرب به عنوان سرپرستان کارگاههای هنرستانها که فرایند تدریس را تسهیل می‌نمایند، دانسته‌اند. همچنین محدودیت در جذب دبیران و هنرآموزان و برنامه‌ریزی و سازماندهی دبیران و کلاسهای آموزشی ضمن خدمت برای ارتقای بنیه علمی ایشان نیز وجود داشته است. ملاک‌های پذیرش هنرجو و دانش‌آموز در حد متوسط بوده است. این سؤال با آزمون t تک متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و محدودیتهای درونداد برنامه‌های فنی و حرفه‌ای از نظر مدیران بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

سؤال ۲- محدودیت فرایند برنامه‌های فنی و حرفه‌ای برای هماهنگی با هدفهای برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از نظر مدیران چه مواردی است؟ جدول ۲ نتایج مربوط به این سؤال را نشان می‌دهد.

جدول ۲- نتایج مربوط به سؤال دوم پژوهش

سؤالا	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی خیلی کم	اصلاً	میانگین رزنی
همخوانی رشته‌ها با رغبت‌های فراگیران	۹/۴	۱۸/۸	۴۰/۶	۲۵	۶/۳
تناسب تراکم کلاسها با فعالیتها	۶/۳	۱۲/۵	۲۳/۸	۲۸/۱	۹/۴
محدودیت امکانات و تجهیزات کتابخانه	۲۵	۳۴/۴	۲۵	۹/۴	۶/۳
محدودیت آموزش استفاده از تجهیزات	۱۵/۶	۴۶/۹	۲۵	۶/۳	۶/۳
محدودیت آشنایی با مشاغل مرتبط	۲۵	۳۴/۴	۲۵	۱۲/۵	۳/۱
محدودیت ارزیابی و امتحانات دقیق	۱۲/۵	۱۸/۸	۳۱/۳	۳۱/۳	۶/۳

$$t=۳/۵ \quad df=۸۵ \quad Sig=۰/۰۰۱ \quad Mean=۳/۲۸$$

جدول ۲ نشان می‌دهد که اکثر مدیران معتقد بودند همخوانی رشته‌ها با رغبت‌های فراگیران در حد کم و متوسط است و تناسب تراکم کلاسها با فعالیت‌های هنرجویان در حد کم و متوسط می‌باشد. همچنین محدودیت امکانات و تجهیزات کتابخانه‌ای و محدودیت آموزش‌های تخصصی استفاده از تجهیزات در حد زیاد و خیلی زیاد بیان شده و محدودیت آشنایی با مشاغل مرتبط و محیط‌های اشتغال در حد زیاد و خیلی زیاد ذکر گردیده و بالاخره محدودیت ارزیابی و امتحانات دقیق از آموخته‌های فراگیران در حد کم و متوسط مطرح شده است.

با توجه به مقدار t مشاهده شده محدودیت‌های فرایند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای هماهنگی با برنامه سوم توسعه بالاتر از متوسط ارزیابی شده است.

سؤال ۳- عوامل محدودکننده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران هنرستانها چه مواردی است؟ جدول ۳ نتایج مربوط به این سؤال را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج مربوط به سوال سوم پژوهش

سؤالا	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی خیلی کم	اصلاً	میانگین وزنی	
نگرش مدیران در خصوص هماهنگی منابع مالی برای توسعه و ارتقای آموزشهای فنی و حرفه‌ای	۴/۸	۹/۳	۳۴/۲	۲۴/۳	۱۹/۷	۲/۵۹
نگرش مدیران دربارهٔ هماهنگی وضعیت و امکانات هنرستانها با اهداف توسعه	۷/۲	۲۹/۴	۴۳/۴	۱۵/۷	۴/۳	۲/۷۰
نگرش مدیران در مورد هماهنگی چگونگی فضای آموزشی و کارگاهی هنرستانها با اهداف توسعه	۵	۳۱	۳۳/۳	۲۵/۷	۵	۲/۳۵
نگرش مدیران در مورد هماهنگی محتوای برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با اهداف توسعه	۴/۴	۱۵/۵	۴۴/۸	۲۸/۷	۶/۶	۲/۸۰
نگرش مدیران در مورد هماهنگی نیروی متخصص و هنرآموزان با اهداف توسعه	۱/۵	۲۴/۲	۳۶/۳	۳۳/۵	۴/۵	۲/۵۲
نظر مدیران در مورد میزان انطباق آموزشهای فنی و حرفه‌ای با تواناییهای دانش‌آموزان	۶/۱	۱۵/۲	۳۳/۷	۴۱/۳	۳/۷	۲/۴۱
نظر مدیران در مورد ارتباط هنرجویان با محیطهای واقعی اشتغال	۶/۲	۸/۹	۳۱/۳	۳۱/۲	۲۲/۴	۲/۱۰
نظر مدیران در مورد بررسی امکانات کارآفرینی و خوداشتغالی هنرجویان	۷/۹	۲۰/۷	۴۴/۲	۲۲/۸	۴/۴	۲/۹۰
نظر مدیران در مورد بررسی آموزشهای مربوط به بهداشت و ایمنی کار در هنرستانها	۵/۴	۲۱/۷	۴۸	۱۹	۵/۹	۲/۵۵

$t=۳/۸$ $df=۸۵$ $Sig=۰/۰۰۱$ $Mean=۲/۸۱$

با توجه به جدول ۳ مدیران هنرستانها هماهنگی منابع مالی برای توسعه و ارتقای آموزشهای فنی و حرفه‌ای را در حد کم و متوسط بیان کرده‌اند. همچنین هماهنگی وضعیت و امکانات هنرستانها با هدفهای توسعه کشور در حد متوسط بیان شده است. از نظر مدیران هنرستانها فضای آموزشی و کارگاهی نیز در حد کم و متوسط با هدفهای

کشور متناسب است. اکثر مدیران بر این نظر بوده‌اند که محتوای برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و نیز نیروهای متخصص برای آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به میزان کم و متوسط با هدف‌های توسعه هماهنگ است. در ادامه جدول ملاحظه می‌گردد با توجه به نگرش مدیران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در حد کم و متوسط با توانایی‌های فراگیران هماهنگ است و ارتباط هنرجویان با محیط‌های واقعی اشتغال نیز بسیار کم و متوسط است و امکانات کارآفرینی و خود اشتغالی نیز بسیار کم و متوسط است و آموزش‌های مربوط به بهداشت و ایمنی کار در هنرستانها در حد متوسط بوده است.

این سؤال نیز با استفاده از آزمون t مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و محدودیت‌های کلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از نظر مدیران بیش از متوسط ارزیابی شده است. سؤال ۴- موانع زمینه‌ای توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران هنرستانها چه مواردی است؟ جدول ۴ نتایج مربوط به این سؤال را نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج مربوط به سؤال چهارم پژوهش

سؤالاها	خیلی زیاد	زیاد	تا حدردی خیلی کم	اصلاً میانگین وزنی	
مشکلات ناشی از ارتباط بین مدیران و مسؤلان	۱۲/۵	۲۵	۴۰/۶	۱۸/۸	۳/۲
مشکلات در زمینه آگاهی کارشناسان	۹/۴	۳۱/۳	۴۶/۹	۹/۴	۳/۳
مشکلات ناشی از مقررات اداری	۲۵	۳۱/۳	۳۷/۵	۶/۳	۰
مشکلات ناشی از ارتباط با سایر سازمانها	۲۸/۱	۳۷/۵	۲۱/۹	۱۲/۵	۰
مشکلات ناشی از نگرش اولیا	۶/۳	۱۸/۸	۴۰	۳۴/۴	۰

$$t=۵/۵۸ \quad df=۸۵ \quad Sig=۰/۰۰۰ \quad Mean=۳/۴۲$$

با توجه به جدول ۴ اکثر مدیران معتقدند مشکلات ناشی از ارتباط و تعامل ایشان و مسؤلان در حد زیاد و متوسط بوده و مشکلات ناشی از محدودیت آگاهی کارشناسان در حد متوسط و زیاد بوده است. همچنین مشکلات ناشی از مقررات اداری در حد زیاد بوده و مشکلات ناشی از ارتباط با سایر دستگاهها و سازمانها نیز در حد زیاد بوده است و بالاخره مشکلات ناشی از نگرش اولیا نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بالاتر از متوسط بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزشهای فنی و حرفه‌ای از جمله فرصتهای آموزشی است که منجر به اشتغال فارغ‌التحصیلان می‌گردد. البته این هدف در صورتی قابل تحقق است که ارتباط بین بخش آموزش و اقتصاد در برنامه‌ریزیها مشخص باشد و نیروی انسانی مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصادی با عنایت به برنامه توسعه کشور به مهارتهای لازم نایل شوند. کارآیی آموزشهای فنی و حرفه‌ای در رفع نیازهای فردی و اجتماعی بستگی به بررسی عمیق اجزای سازنده آن دارد. از جمله لازم است هدفهای این شاخه به صورت واضح تبیین گردد و نقش عوامل اجرایی و دست‌اندرکاران برای حصول اهداف روشن شود. طرحها و برنامه‌ها برای مدیران، مجریان برنامه و مربیان، همچنین هنرجویان و خانواده‌هایشان مشخص باشد. در نظام‌های آموزشی سایر کشورها نیز توجه عمده‌ای به جایگاه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و تلفیق آموزشهای نظری و عملی مبذول شده است. چنانکه مشایخ (۱۳۶۹) بیان می‌دارد: «در نظام آموزشی فرانسه با توجه به تأکید به راهنمایی شغلی، طیف گسترده‌ای از آموزشهای حرفه‌ای فراهم شده است. بدین ترتیب که بین ۱۶ تا ۲۵ سالگی با کارفرما قرارداد بست. می‌شود و طبق این قرارداد کارآموز فرصت ادامه تحصیل توأم با فرصت اشتغال را دارد».

همچنین مهرمحمدی (۱۳۷۵) معتقد است که در کشور آلمان تلاش وسیعی به منظور توسعه و افزایش کارآیی آموزشهای فنی و حرفه‌ای در جهت تأمین نیازهای جامعه به نیروی کار در بخشهای گوناگون صورت گرفته است. آموزشهای فنی و حرفه‌ای در آلمان به دو گونه کلی یکی در قالب سیستم دو آل (دوگانه) و دیگری در قالب سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای تمام وقت عرضه می‌شود.

امید (۱۳۷۱) بیان می‌کند که در کشور ژاپن نیز مراکز آموزش دولتی بیش از هر چیز باید با عرضه مهارتهای کافی عدم تداخل موجود در بازار کار را کاهش دهند و شکاف حاصل از تغییرات فناوری را پر کنند. اکثر بنگاههای ژاپنی با نظر خود به آموزش می‌پردازند و آموزش فنی و حرفه‌ای جزء جدایی‌ناپذیر فعالیتهای بنگاهها محسوب می‌گردد. در برنامه‌ریزی آموزشهای فنی و حرفه‌ای در کشور ما نیز ضرورت توجه هر چه بیشتر به این آموزشها در قالب برنامه‌های توسعه مطرح گردیده است و ضعف‌های موجود در این زمینه را بدین شرح مطرح نموده است:

- توسعه نامتوازن آموزشهای فنی و حرفه‌ای که خود متأثر از نداشتن برنامه مشخص و عدم هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار است.
- عدم انطباق آموزشهای فنی و حرفه‌ای با فناوری پیشرفته، عدم آگاهی جامعه و مدیران از اهمیت و نقش آموزشهای فنی و حرفه‌ای در تسهیل و تسریع حرکت توسعه کشور (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۷). در زمینه گسترش کیفی این موارد ذکر گردیده است:
- تقویت روحیه علمی در هنرجویان به منظور تربیت کارآفرین‌های مولد و خود اشتغال.
- ارتقای معیار صلاحیت حرفه‌ای دبیران فنی و حرفه‌ای و عوامل آموزشی.
- تکمیل و تجهیز کارگاهها در جهت تقویت توانایی و مهارت فارغ‌التحصیلان.
- بهسازی فضاهای آموزش برای هماهنگی با فعالیتهای کارگاهی و عملی.
- توسعه و ارتقای آموزشهای فنی و حرفه‌ای در گرو توجه دقیق به تغییرات جمعیتی و آمایش منطقه، تغییرات فناوری و سیاستهای کلان توسعه است.
- در این پژوهش میزان هماهنگی آموزشهای موجود در استان اصفهان با سیاستها و راهبردهای توسعه از نظر مدیران مورد سنجش و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این تجزیه و تحلیل به قرار زیر است:
- منابع مالی آموزشهای فنی و حرفه‌ای برای توسعه و ارتقای این آموزشها کافی نیست.
- هماهنگی تجهیزات و امکانات هنرستانها با هدفهای توسعه در حد متوسط است.
- هماهنگی وضعیت فضای آموزشی و کارگاهی هنرستانها با هدفهای توسعه کم و متوسط است.
- هماهنگی محتوای برنامه‌های آموزشی با برنامه‌های توسعه کم و متوسط است.
- هماهنگی بین نیروهای متخصص و هنرآموزان مجرب با هدفهای توسعه کم و متوسط است.
- میزان انطباق آموزشهای فنی و حرفه‌ای با تواناییهای دانش‌آموزان کم و متوسط است.
- ارتباط هنرجویان با محیطهای واقعی اشتغال کم و متوسط است.
- امکانات کارآفرینی و خود اشتغالی هنرجویان کم و متوسط است.
- آموزشهای مربوط به بهداشت و ایمنی در هنرستانها در حد متوسط است.
- نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش نوریخس (۱۳۷۳) در مورد توزیع تجهیزات و امکانات تخصصی هنرستانها از نظر مدیران همخوانی دارد، همچنین نتایج این پژوهش

در مورد لزوم ارتباط هنرجویان با محیطهای واقعی اشتغال، یافته‌های پژوهشی خلاقیتی (۱۳۷۵) را در مورد بررسی میزان موفقیت، هنرستانهای فنی جوار کارخانه‌ای مورد تأیید قرار می‌دهد.

افزون بر این پژوهشها، نتایج این پژوهش با سیاستهای مطرح شده ILO (۱۹۷۶) که تربیت نیروی انسانی راه، براساس زیرساختهای اقتصادی و همگام با برنامه‌های توسعه کشورهای مطرح نموده، همخوانی دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش با رویکردهای رشد و توسعه کره جنوبی که آموزش برای اشتغال و با استفاده از محیطهای واقعی اشتغال و همسو با برنامه‌های توسعه را مطرح نموده، هماهنگ است (باندیو، ۱۹۸۵).

منابع

- ابراهیمی، ح. (۱۳۷۶)، بررسی عوامل مرتبط با توسعه شاخه کار و دانش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- امید، ح. (۱۳۷۱)، «بررسی تطبیقی آموزشهای فنی و حرفه‌ای»، فصلنامه هماهنگ، شماره ۲۴. برنامه سوم توسعه، (۱۳۷۷)، سازمان برنامه و بودجه.
- بیرانوند، ع. (۱۳۷۷)، ارزشیابی برنامه‌های شاخه کار و دانش از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.
- حمزه لوثی، ا. (۱۳۷۵)، ارزشیابی شاخه کار و دانش در نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه مدیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- خلاقیتی، ع. (۱۳۷۵)، بررسی تحلیلی موفقیت آموزش هنرستانهای جوار کارخانه‌ای، سند شماره ۴۶۴۹، بانک اطلاعات علوم تربیتی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- طلوع هاشمی، م. (۱۳۷۳)، بررسی چگونگی اجرای شاخه کار و دانش و مشکلات اجرایی آن، مشهد، شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
- عمادزاده، م. (۱۳۷۶)، اقتصاد آموزش، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- عدلی، ف. (۱۳۷۵)، مقایسه میزان بیگانگی از کار مدیران آموزش با مدیران صنعتی، پایان‌نامه (چاپ نشده) وزارت آموزش و پرورش.

مشایخ، ف. (۱۳۶۹)، فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، انتشارات مدرسه.
مهرمحمدی، م. (۱۳۷۵)، «کندوکاوی در برخی از ابعاد آموزش و پرورش جمهوری فدرال آلمان و مقایسه با آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، تک‌نگاشت، شماره ۲، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
نصرتیه، غ. (۱۳۷۸)، چگونگی تحول در نظام‌های آموزشی، سند شماره ۴۶۵۰، بانک اطلاعات علوم تربیتی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
نوربخش، ح. (۱۳۷۳)، بررسی میزان بهره‌مندی واحدهای فنی و حرفه‌ای استان اصفهان، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.

- BOX, K. (1988). The political context of Vocationalization of Education in the Developing Contries. London, Pergamon books Ltd, P 37.
- BANDYO, V. SHIVA, (1985). Economic planning board, major statistics of korean economy. Seoul, p 246.
- ILO, (1976). Employment, growth and basic needs. Geneva, P 224.

وصول: ۸۱/۷/۱۵

پذیرش: ۸۲/۱۱/۲۴

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی